

Concepts of Sanctity in Oath Rituals in the Popular Culture of Kermanshah

Zahra Jamshidi*

Abstract

Popular culture and beliefs are an essential part of the civilization of nations and due to their oral nature, they have continued to live and be dynamic over the centuries, being transferred from one generation to another. Popular culture and beliefs, which have long-standing and ancient roots, are closely related to various cultural manifestations such as myths, epics, and language. In the present research whose purpose was to identify the roots of oath rituals in the public culture of Kermanshah, the author has investigated and analyzed the relation between the common religious and astronomical beliefs of the tribes of Kermanshah (with a focus on Sanjābī, Kalhor and Gūran clans) and mythology, using analytical and field methods. According to the results, respecting the sky and swearing to it, believing in the judgment of the sun and praying to it, swearing by the times of the sun and the moon and the Haftgām oath are the main astrological beliefs in the tribes studied, and these beliefs are rooted in Iran's mythological beliefs and also Zarvanism, Mehriism and Zoroastrianism. It should be mentioned that Mesopotamian beliefs also influenced the formation of many of these beliefs, and the influence of Islamic beliefs is also evident in later periods.

Keywords: Myths, Religions, Ancient Rituals, Astronomical Rituals, Popular Culture of Kermanshah.

*Assistant professor of Persian Language and Literature, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran. z.jamshidi@hsu.ac.ir

How to cite article:

Jamshidi, Z. (2023). Concepts of sanctity in oath rituals in the popular culture of Kermanshah. *Journal of Ritual Culture and Literature*, 2(1), 129-146. doi: 10.22077/jcrl.2023.6886.1072



Copyright: © 2022 by the authors. *Journal of Ritual Culture and Literature*. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



انگاره‌های تقدس در آیین‌های سوگند در فرهنگ عامه کرمانشاه

زهرا جمشیدی*

چکیده

فرهنگ و باورهای عامه، بخشی مهم و اساسی از تمدن هر ملتی است و به دلیل ماهیت شفاهی آن، طی قرون و اعصار، زنده و پویا به حیات خود ادامه داده و از نسلی به نسلی منتقل شده است. فرهنگ و باورهای عامه که ریشه‌ای دیرپا و کهن دارد، با مظاهر مختلف فرهنگی از جمله اسطوره، حماسه، زبان و... در ارتباطی تنگاتنگ است. نگارنده در این پژوهش با روش تحلیلی و میدانی و با هدف نیل به ریشه‌های آیین‌های سوگند در فرهنگ عامه کرمانشاه، به بررسی و تحلیل ارتباط باورهای عامه آیینی و نجومی عشایر کرمانشاه (با تمرکز بر ایل‌های سنجابی، کلهر و گوران) با اساطیر پرداخته است. برآیند تحقیق، گویای آن است که احترام به آسمان و سوگند به آن، اعتقاد به داوری خورشید و دعا به درگاه آن، سوگند به اوقات خورشید و ماه و آیین سوگند هفت‌گام، اصلی‌ترین اعتقادات تنجیمی در ایل‌های مورد مطالعه است که این باورها، ریشه در اعتقادات اساطیری ایران و آیین‌هایی مثل زروانیسم، مهریسم و دین زرتشتی دارد. گفتنی است که معتقدات بین‌النهرین نیز در شکل‌گیری بسیاری از این باورها تأثیر نهاده و در دوره‌های متأخر، تأثیر باورهای اسلامی نیز قابل مشاهده است.

کلیدواژه‌ها: اسطوره، ادیان، آیین‌های باستانی، آیین‌های نجومی، فرهنگ عامه کرمانشاه.

۱. مقدمه

اصطلاح فرهنگ عامه در ادبیات جهان معادل فولکلور است. فولکلور واژه‌ای مرکب از دو جزء folk و lore که روی هم به معنای فرهنگ عوام است. فرهنگ عامه یا فرهنگ مردمی نخستین بار در سال ۱۸۴۶م توسط ویلیام تامس (William Thoms) انگلیسی ابداع شد. بعدها آمبرواز مورتن (Ambroise Morton) در سال ۱۸۸۵م فرهنگ عامه یا همان اصطلاح فولکلور را به عنوان رشته‌ای مبسوط مطرح کرد و مدت‌ها گذشت تا این رشته وجهه‌ای بین‌المللی به خود بگیرد (محبوب، ۱۳۸۷: ۳۵). بنا بر تعریفی دیگر «فولکلور به مجموعه‌ای از دانش‌ها و اعمال و رفتاری گفته می‌شود که در میان عامه مردم، بدون در نظر گرفتن فواید علمی و منطقی آن، سینه‌به‌سینه و نسل‌به‌نسل، به صورت تجربه به ارث رسیده است» (روح‌الامینی، ۱۳۶۸: ۲۵). فولکلور در ایران مترادف با فرهنگ توده، فرهنگ مردم، دانش و حکمت عامیانه، توده‌شناسی و اخلاق عامه و مواردی از این قبیل است (بیهقی، ۱۳۶۵: ۱۸)، اما اصطلاح فرهنگ عامه پرکاربردترین مترادف این اصطلاح در ایران است که «این اصطلاح را نخستین بار رشید یاسمی استاد دانشگاه تهران در سخنرانی اسفند ۱۳۱۴ خود در دانشگاه تهران به کار برد» (میهن‌دوست، ۱۳۸۰: ۵۷).

یکی از شعب و زیرشاخه‌های فرهنگ عامه، باورهای آیینی است که در قالب سوگند خوردن، قربانی، باورهای خرافی مربوط به انجم از جمله باور به سعد و نحس بودن اختران و کواکب، تأثیر اجرام آسمانی بر سرنوشت انسان و نیز تقدس ماه و خورشید و ستارگان و سیارگان نمود پیدا می‌کند. این باور به گونه‌ای بوده است که هنوز هم نشانه‌های تقدس اجرام سماوی در اقوام گوناگون در قالب سوگند خوردن به ماه و خورشید و ستاره و آسمان، احترام قائل شدن برای آسمان و اجرام آن و تلاش برای رهایی از نحوست برخی ستارگان و اتصال با ستارگان سعد و... نمایان می‌شود. اجرام سماوی هم در اسطوره و هم در دین اهمیت ویژه‌ای دارند؛ حتی در قرآن کریم آیاتی دال بر سوگند خوردن به آسمان، خورشید، ماه و ستارگان نیز وجود دارد (به عنوان مثال نک: سوره مدثر آیه ۳۲؛ سوره شمس آیات ۱، ۲ و ۵؛ سوره انشقاق آیات ۱۶-۱۹).

در تحلیل نمادها اشاره شده است که:

اجرام سماوی با دو خصلت آسمان، تعالی و نور مشترک هستند؛ با تفاوتی کوچک و آن، نظم بی‌تغییر اجرام سماوی است که از قوه عقلائی طبیعی و مرموزی فرمان می‌برد. اجرام سماوی با حرکتی دورانی می‌جنبند که علامت کمال است. در عهد باستان به اجرام سماوی مرتبه خدایی می‌دادند، اما بعدها بر این باور شدند که اجرام سماوی توسط فرشتگان رهبری می‌شوند [و گاهی] آن‌ها را محل اقامت ارواح شخصیت‌های برجسته می‌دانستند (شوالیه و گربران، ۱۳۷۹: ۸۲).

عناصر و اجرام سپهری در اندیشه اقوام ایرانی جایگاهی خاص دارند. این عناصر در آیین‌های باستانی ایران، از جمله در آیین مهر مقدس شمرده می‌شده‌اند. مهرپرستان بر این

اعتقاد بوده‌اند که ارواح از آسمان و جایگاه‌های آسمانی بر زمین فرود آمده‌اند و سپس در کالبدها جایگزین گشته‌اند، به همین دلیل است که در اعتقادات مهری برای پاک‌شدن و بازگشت به آسمان، باید از هفت مرحله نردبان‌مانند رد شوند تا از هرگونه آلودگی تطهیر شده و به مقام آسمانی پیشین خود نائل شوند (جعفری قریه‌علی، ۱۳۹۲: ۹۹).

در فرهنگ عامه قوم کرد ساکن در کرمانشاه، پدیده‌های آسمانی دارای اهمیت بسیار زیادی هستند؛ به نحوی که در کرمانشاه سوگندخوردن به ماه، خورشید، طلوع و غروب خورشید و اوقات آن یعنی صبح، ظهر، عصر، غروب و شب، باور به قدرت ستاره‌ها و درخواست حاجت از آن‌ها، حرمت قائل‌شدن برای آسمان، تنظیم امور مهم خود با گردش سعد اختران، آیین‌های ویژه سوگند سماوی برای اثبات بی‌گناهی و... موضوعی عادی است. این امر میان عشایر و روستاییان، به ویژه میان فرقه اهل حق (یارسان) بسامد بالایی دارد و مؤید این نکته است که «درواقع آسمان و هر چیز در آن از ماه و ستاره‌ها تا تندر و روشنایی همه به صورتی نمادین با جهان خداوند همراهی دارند» (میتفورد، ۱۳۹۴: ۱۴). در ادامه به مهم‌ترین باورهای عامه نجومی که در پیوند با باورهای اساطیری و آیینی هستند، خواهیم پرداخت.

۱-۱. پیشینه تحقیق

درباره فرهنگ عامه پژوهش‌های بسیاری انجام شده است، اما در این میان، پژوهش‌هایی که به ریشه اسطوره‌ای فرهنگ عامه در حوزه آیین‌های نجومی پرداخته باشند، بسیار اندک است. از جمله این پژوهش‌ها می‌توان به پایان‌نامه محمودی مینایی (۱۳۷۵)، اشاره کرد که در آن به بررسی آسمان در فرهنگ عامه مردم شمال خراسان پرداخته و به این نتیجه رسیده که علت وجود این مبحث در فرهنگ خراسان پیشینه اسطوره‌ای آن است. صرفی و افاضل (۱۳۸۹) اشاره کردند که در این پژوهش به بررسی بازتاب باورهای نجومی در خمسه خواجوی کرمانی پرداخته‌اند. نگارندگان این پژوهش اشاره دارند که بخشی اساسی از باورهای آیینی ایرانیان تحت تأثیر باورهای نجومی بوده و نموده‌های این اندیشه در شعر خواجوی کرمانی نیز عینی و گسترده است. اسکندری شرفی و مبارک (۱۴۰۰) در پژوهشی مشترک به بازتاب باورهای نجومی در شعر عماد فقیه کرمانی پرداخته‌اند و بر این عقیده‌اند که در شعر فقیه کرمانی اعتقاد به آباء علوی و امهات سفلی، تأثیر افلاک در سرنوشت آدمیان، گردش و مدوربودن آسمان، طالع و کوکب بخت و خنیاگری اختر زهره (ناهید) پُربسامدتر است. عماد در شعر خود از این باورها برای مضمون‌پردازی در قصاید مدحی، تحمیدیه‌ها، نعتیه‌ها، شکواییه‌ها و... بهره برده است. زرگری (۱۴۰۰) در مقاله‌ای به تنجیم و جایگاه آن در کیهان‌شناسی عجایب‌نویسان قرون چهارم تا هشتم هجری پرداخته است. برآیند این تحقیق نشان می‌دهد که در عجایب‌نامه‌های دوران مطالعه، تأثیر کواکب و سیارات در شکل‌دهی به رخدادهای زندگی آدمیان در ذیل اراده خداوندی و به‌عنوان

نشانه‌ای از قدرت الهی قابل مطالعه هستند. گرگانی نژاد و میرشفیعی (۱۴۰۱) نیز در مقاله‌ای به بررسی نماد آسمان در اساطیر، ادبیات، عرفان و هنر پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که در قرآن آیات مربوط به آسمان بسیار متنوع و جالب است. در اساطیر نمادین ایرانی، روشنایی و نور برآمده از گنبد آسمان است و آسمان نماد مرد، ملکوت و پدر شناخته شده و در ادبیات و عرفان نیز بازتاب این موضوع دیده می‌شود. درباره فرهنگ عامه کرمانشاه نیز پژوهش‌هایی چند انجام شده است: پرنیان (۱۳۷۴) در پایان‌نامه فرهنگ عامه کرد به بررسی زبان، ادبیات عامه از جمله افسانه‌ها، لباس و پوشاک، باورها و... در کرمانشاه پرداخته، اما این پژوهش فاقد تحلیل اسطوره‌ای و ریشه‌یابی اسطوره‌ای است. همتی (۱۳۸۸) در پایان‌نامه خود به بررسی ادبیات کودکان در فرهنگ عامه کرمانشاه شامل لالایی‌ها، افسانه‌ها و مثل‌ها، ضرب‌المثل‌ها، چیستان‌ها و ترانه‌ها پرداخته است؛ بدون این که به پیشینه اسطوره‌ای این موارد توجهی کرده باشد. همراهیان (۱۳۹۸) نیز تأثیر شاهنامه بر ادبیات عامه کرمانشاه را کاویده و به بررسی بخشی از عناصر فرهنگ عامه کرمانشاه که تحت تأثیر شاهنامه هستند پرداخته است. با توجه به پیشینه حاضر، مشخص می‌شود که تاکنون پژوهش مستقلی درباره مقاله پیش‌رو که به تحلیل ریشه آیین‌های سوگند در فرهنگ عامه کرمانشاه می‌پردازد، انجام نشده است.

۲-۱. اهمیت و ضرورت تحقیق

پژوهش درباره فرهنگ و باورهای عامه، به‌ویژه باورهای آیینی، از نظر جامعه‌شناسی کار بسیار سودمندی است؛ زیرا دقت در این‌گونه باورها و شناخت منشأ آن‌ها موجب نزدیکی و آشنایی عمیق با فرهنگ بومی و گرایش یافتن به سوی شناخت هویت جمعی و تاریخی می‌شود. این شناخت تأیید اصالت فرهنگ است که فرد در پرتو آن به شخصیت و هویت تاریخی و ریشه‌دار خود دست می‌یابد. آیین‌های نجومی و باورهای عامیانه به آن، می‌تواند بستری باشد برای شناخت هرچه بیشتر ادیان و اعتقادات کهن و باستانی که رگه‌هایی از آن تاکنون در میان عامه مردم (به‌ویژه جوامع بکری هم‌چون ایلات و عشایر) باقی مانده است.

۳-۱. مبانی نظری

۱-۳-۱. باورهای نجومی

نجوم از کهن‌ترین علوم است که ریشه آن به دورانی بسیار کهن و در پیوند با باورهای اسطوره‌ای راجع به آفرینش و ایزدان بازمی‌گردد. باورهای اسطوره‌ای و شناختی بشر کهن درباره آسمان، ستارگان، ماه، خورشید، آذرخش و سایر پدیده‌های سماوی، دستمایه بسیاری از اعتقادات آیینی بشر کهن و پایه شکل‌گیری برخی از ادیان باستانی بوده است. از همان دور باستان تاکنون باورهای نجومی، ابزاری برای توجیه و تفسیر برخی از دغدغه‌های بشری بوده است.

با این‌که که علم نجوم از شاخه ریاضیات و همراه با محاسبات دقیق علمی است، اما در بسیاری از ادوار با علم احکام نجوم درهم آمیخته است؛ زیرا منجمان قدیم به احکام نجوم نیز آگاهی داشته‌اند (معین، ۱۳۸۸: ج ۴، ۴۶۷۹). احکام نجوم (تنجیم) به استخراج احکام و تأثیر آن در سرنوشت آدمیان می‌پردازد و با علم نجوم که در آن حرکات ستارگان برای تقویم و گاه‌شماری بررسی می‌شود، تفاوت دارد (حلبی، ۱۳۷۸: ۱۲). علم احکام نجوم باعث به وجود آمدن بسیاری از باورهای عامه در حوزه آسمان، ستارگان، سیارگان و کارکردهای آنان شده است. گفتنی است که این باورها در بیشتر اوقات زیرساختی اسطوره‌ای دارند.

۱-۳-۲- فرهنگ عامه کرمانشاه

فرهنگ عامه، بخشی سترگ از مبانی فرهنگی هر جامعه‌ای را شامل می‌شود؛ از این‌رو حضور و بقای وجود آن در جوامع بشری همیشگی است. در آثار منظوم و منثور فارسی نیز از روزگاران قدیم معتقدات، آداب و رسوم، سنت‌های عامه و افسانه‌های عامیانه‌ای که در داستان‌های تاریخی و حماسی به کار رفته است، به فراوانی دیده می‌شود. بخشی از این گنجینه‌های ارزشمند از دستبرد زمانه در امان مانده و برای ما باقی مانده‌اند؛ چنان‌که با بررسی شاهنامه فردوسی، تاریخ بلعمی، ویس و رامین گرگانی، تاریخ بیهقی، آثار نظامی، خاقانی، سعدی، مولانا، حافظ، عبید زاکانی و... شاهد نفوذ معتقدات کهن و آداب و رسوم هستیم (انجوی شیرازی و ظریفیان، ۱۳۷۱: ۱۱ و ۱۲).

کرمانشاه از نظر فرهنگی، قدمتی به بلندای تاریخ دارد و آشکار است که اقوام کهن از نظر معتقدات فرهنگ عامه، درخور توجه بسیار هستند. طبق کاوش‌های باستان‌شناسی، کرمانشاه یکی از اقامتگاه‌های کهن بشری در هزاره‌های قبل از میلاد مسیح بوده و آشکار است که هر جا تمدنی وجود داشته باشد، فرهنگ هم هم‌پایه آن شکوفا بوده است؛ از این‌رو کرمانشاه یکی از استان‌های تاریخی و فرهنگی ایران است. کرمانشاه پیش از ورود آریاییان به ایران و به واسطه ارتباطی که با بین‌النهرین و تمدن‌های سومر و آشور داشته، یکی از اقامتگاه‌های تمدن‌هایی مثل لولوبی‌ها و عیلامی‌ها بوده است. پس از ورود آریاییان به ایران، اولین حکومت آریایی، یعنی ماد، در این منطقه تشکیل شد و سپس در دوره هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان نیز دارای اهمیتی بسیار بوده است. این اهمیت به دوران ایران پس از اسلام می‌رسد و کرمانشاهان به‌عنوان منطقه‌ای گسترده بخشی از عراق عجم محسوب می‌شده است (سلطانی، ۱۳۷۴: ۱).

وجود آثار باستانی پرشمار متعلق به ادوار گوناگون، تأییدی بر اهمیت این منطقه در تاریخ و تمدن ایران است. این آثار که بیشتر آثار حکومتی و دینی هستند در دوره‌های مختلف تمدن ایرانی برای ما به یادگار مانده است. قوم اصلی ساکن در کرمانشاه، قوم کرد است. «تصور می‌شود که کردها از اعقاب کرتی‌های باستان هستند که استرابون از آن‌ها نام برده است» (ساوینا، ۱۳۸۰: ۱۶۹). کردها از بزرگ‌ترین و قدیمی‌ترین اقوام آریایی ایران هستند که با توجه به تحقیقات پژوهش‌گران و باستان‌شناسان به نظر می‌رسد

از بازماندگان قوم ماد باشند. «از دلایل و مدارک تاریخیه و علائم و امارات علمیه و آثار مکشوفه، ثابت شده است که گروه کرد، مردمانی هستند «آری» نژاد، از جنس هندواروپایی که در یک عصر غیرمعلومی؛ یعنی چندهزارسال پیش از میلاد مسیح، به اراضی و اماکن کنونی که در جنوب ارمنستان واقع است و کردستان نام دارد، آمده‌اند. شرقاً به همراهی رود دجله و شعب آن در سلسله جبال زاگرس تا خلیج پارس و دریای عمان پیش رفته‌اند. غرباً نیز در امتداد رود فرات و رشته‌کوه‌های تروس تا سوریه و شامات و سواحل دریای مغرب (مدیترانه) پراکنده شده‌اند» (مردوخ: بی‌تا: ۲۱). قدمت نژادی کردها به‌نحوی است که در شاهنامه که سند ملی و هویتی ایرانیان است به آن‌ها اشاره شده است و مطابق با روایت شاهنامه، نجات‌یافتگان از دست ضحاک به‌وسیلهٔ ارمایل و گرمایل همان تشکیل‌دهندگان این قوم هستند (فردوسی، ۱۳۸۶: ۵۷/۱).

۲. بحث و بررسی

در این بخش به بررسی آیین‌های تنجیمی فرهنگ عامه کرمانشاه (با تمرکز بر سه ایل سنجابی، کلهر و گوران) و ریشه‌یابی اسطوره‌ای این آیین‌ها خواهیم پرداخت.

۲-۱. احترام به آسمان و سوگند به آن

یکی از رفتارهای فرهنگی گردان کرمانشاه، احترام به آسمان و سوگند به آن است. احترام به آسمان به حدی است که به‌ندرت واژهٔ آسمان را به کار می‌برند و بیشتر با صفت **کهو بان سهر** (کبودی که بر فراز آسمان است) از آن یاد می‌کنند. یکی از سوگندهای مهم در بین کردهای کرمانشاه، سوگند به کهو بان سهر است و در مقابل یکی از گناهان نابخشودنی هم بی‌احترامی یا کفرگویی به کهو بان سهر است. اگر فردی مرتکب این گناه شود، باید با تقدیم فدییه‌هایی به آسمان، این گناه را بزداید.

در مصاحبه‌ای که نگارنده با یکی از کهن‌سالان ایل سنجابی دربارهٔ آسمان انجام داد، نکاتی مهم نقل شد که در ادامه عین مصاحبه می‌آید:

نگارنده: خالو مامه‌ده‌ئه‌را وه ناسمان اوشین کهو بان سهر؟ (آقا محمد چرا به آسمان می‌گویید کبودی که بر فراز است؟)

آقا محمد: وهی خاطر که ناسمان حرمت دیره، گهوراس، نه‌ختیار داره، های بان سهره، ناظرمانه، نگه‌ر وه ناو خه‌وی بچریمنه‌ی، رهنجه. (چون آسمان حرمت دارد، بزرگ است، صاحب اختیار است، بر فراز ماست، شاهد اعمال ماست، اگر با اسم خودش بدون صفت و احترام او را صدا کنیم، می‌رنجد).

نگارنده: دوسی دیرین یا زله‌دان وهلی چو؟ (آسمان را دوست دارید یا از آن می‌ترسید؟)

آقا محمد: هم دوسی دیریم، هم زله‌مان وهلی چو. نگه‌ر که‌سی کفری بکه‌ی مالی رهمه‌نی. (هم دوستش داریم و هم از آن می‌ترسیم و اگر کسی سخن کفرآمیزی خطاب به او به زبان بیاورد، خانه و هستی‌اش را ویران می‌کند) (مصاحبه با: آقای محمد فتاحی - ۷۳

ساله - ایل سنجایی - ۱۴۰۱/۱۲/۷).

چنین رفتاری ریشه‌ای کهن و اسطوره‌ای دارد و با تفکر شناختی اسطوره‌ای «هر چیزی که بالاست مقدس است» ارتباط دارد. تقدس فراز انسان، هنگام دعا و سربر آوردن به آسمان هم خود را نشان می‌دهد؛ این رفتار در میان تمامی اقوام بشری به‌عنوان رفتاری مشترک وجود دارد. از طرفی آسمان از دیرباز به‌عنوان جایگاه خدایان و الهه‌ها اهمیت و تقدس بسیار داشته و نمادی جهانی است. در تاریخ ادیان، آسمان از مهم‌ترین تجلیات قداست و سرشار از ارزش‌های اساطیری مذهبی و حوزه اقتدار الهی است و همان‌گونه که اشاره کردیم به دلیل جایگاه رفیع خود، در وجدان انسان ابتدایی جایگاه خدایان در نظر گرفته می‌شد و برانگیزنده تجربه مذهبی بود (زمردی، ۱۳۸۲: ۱۱).

از طریق آن [آسمان]، باور به موجودی الهی و علوی؛ یعنی خالق جهان و ضامن باروری زمین (به برکت بارانی که فرومی‌بارد) القا می‌شود. آسمان‌ها عالم به‌غیب و صاحب‌خردی بی‌پایان هستند، قوانین مذهبی و اغلب آیین‌های فرق توسط آسمان‌ها در اقامت کوتاهشان بر زمین برقرار شده‌اند: آسمان‌ها ناظر بر قوانین‌اند و کسانی را که از آن‌ها سرپیچی می‌کنند به صاعقه می‌زنند (شوالیه و گریبان، ۱۳۷۹: ۱۸۶).

در کهن‌ترین اندیشه‌های اسطوره‌ای ایران شاهد خدای اعظم آسمانی هستیم؛ زیرا هرودوت نقل می‌کند که ایرانیان بر بلندترین کوه‌ها می‌رفته‌اند تا برای این خدای آسمانی که معادل زئوس بوده و سراسر پهنه آسمان را در برمی‌گرفته است، قربانی کنند (الیاده، ۱۳۸۹: ۸۴). در زروانیسم، سپهر یا همان آسمان تن مادی زروان درنگ خدای و تقدیر و حکم ایزدی است. آسمان هم مثل زروان در برابر خیر و شر بی‌طرف است و از این‌روی هم میدان عمل هرمزد است و هم میدان عمل اهریمن (زهر، ۱۳۸۴ ب: ۳۹۸). به همین دلیل است که در عقاید زروانی آسمان قانون و داستان زروان است و شاهد و میدان پیمان میان هرمزد و اهریمن است: «چون اورمزد با اهریمن پیمان کرد که هر کس حصه خود را در دونیمه بگذارد، اورمزد به کروثمان باشد و اهریمن به دوزخ، کار را به دست فلک دادند تا هرچه از تندرستی و بیماری و منعمی و درویشی و چیز که به مردم رسد، از سبب گردش افلاک و ستارگان است» (روایت داراب برزو، ۱۳۸۴: ۳۲۰).

در مزدیسنا نیز به قداست آسمان اشاره شده و در یسن‌ها می‌خوانیم که جامعه اهوره‌مزدا از گنبد آسمان است (یسن‌ها، ۳۰، ۵). در کرده‌های ۱۱، ۲۴ و ۱۵۳ فروردین‌یشت آسمان ستایش شده است: «و آن آسمان را می‌ستاییم و آن چیزهای خوب را می‌ستاییم که در میان آن‌ها (زمین و آسمان) قرار دارند و شایسته پرستش و شایسته نیایش و شایسته یزشند». در بندهشن نیز درباره آسمان چنین می‌خوانیم: «سپهر آن است که نیکویی بخشد و خدایی و پادشاهی او راست... او را که بیش دهد سپهر نیکو و او را که کم دهد سپهر بد خوانند و این بخشش نیز به زمان است» (دادگی، ۱۳۶۹: ۱۱۱). اهمیت آسمان باعث شده بود که در ایران باستان این اعتقاد وجود داشته باشد که نخستین چیزی که از جهان آفریده شده

آسمان است که در اصل به صورت یک پوسته تهی گرد بوده که از صخره‌ای سخت ساخته شده و از رو و زیر زمین می‌گذرد (واحدوست، ۱۳۸۷: ۱۲۸).

بهار به نقل از بندهشن در توصیف آسمان از منظر دین زرتشت چنین نگاشته است:

نخست آسمان را آفرید روشن، آشکارا، بسیار پهناور و به شکل تخم‌مرغ و [از] خماین که هست گوهر الماس نر؛ سر او به روشنی بیکران پیوست. او آفریدگان را همه در درون آسمان بیافرید، چونان دژی و بارویی که آن را هر افزاری که برای نبرد بایسته است، در میان نهاده شده باشد، یا بمانند خانه‌ای که هر چیز در [آن] بماند. بن پایه آسمان را آنچه پهن است که آن را درازا است، او را آنچه درازا است [که] او را بالا است، او را آنچه بالاست که او را ژرفا است. با اندازه [هایی] برابر، متناسب و بیشه‌مانند. مینوی آسمان [که] اندیشمند و سخنور و کنشمند و آگاه و افزونگر و برگزیننده است. دفاع طولانی بر ضد اهریمن را پذیرفت که نگذاشت [به جهان تاریکی] بازتازد. مینوی آسمان چونان گرد ارتشتاری که زره پوشیده باشد تا بی‌بیم از کارزار رهایی یابد، آسمان را بدان گونه [بر تن] دارد (بهار، ۱۳۸۶: ۴۵).

۲-۲. اعتقاد به داوری خورشید و دعا به درگاه آن

میان اقوام ساکن در کرمانشاه، به‌ویژه در ایلات مورد مطالعه این پژوهش، سوگند یادکردن به ماه و خورشید و اوقات آن به‌ویژه صبح و ظهر و غروب امری عادی و رایج است. نگارنده بارها و بارها، شاهد رازونیا با خورشید و ماه و دعا کردن مردان و زنان ایل سنجابی در غروب و طلوع خورشید بوده است. این رازونیاها که بیشتر با مضمون طلب خیر یا نفرین دشمنان است، به‌ویژه هنگام طلوع و غروب تأثیر بیشتری دارد. در مصاحبه‌ای که نگارنده با یکی از زنان یارسانی ایل سنجابی انجام داده، کم‌وکیف شرایط دعا و اجابت آن به درگاه خورشید روایت شده است:

نگارنده: لیلی خانم مه‌ردم اوشه‌ن دِوای تو فوره گیراس. چه جور دِوا که‌ی؟ (لیلی خانم مردم می‌گویند دعاهای تو خیلی گیراست، چگونه دعا می‌کنی؟)

لیلی خانم: وه سووز دله و و اتقادینگ وه داوود که و سواره و دیرم، وه خه‌وره زه‌رده‌وه که شهل و شه‌کته چووده ئه‌را مال خووی، وه داوهرینگ که دیره واره و بووم. (با تمام وجودم و با اعتقاد کاملی که به داوود کبود سوار (سوار بر اسب کبود) دارم در هنگام غروب، که خورشید خسته و کوفته به منزل خود بازمی‌گردد و با داوری خورشید، دعا می‌کنم).

نگارنده: خه‌ور ئه‌را؟ (چرا خورشید؟)

لیلی خانم: روله خه‌ور زه‌رده‌که‌ر دیوان داووده. خه‌ور شاهد و ناظره. (چون خورشید درخشان‌کننده دیوان داوود و شاهد و ناظر بر همه چیز است) (مصاحبه با: خانم لیلی مرادی، ۶۷ ساله - ایل سنجابی - ۱۴۰۱/۱۲/۸).

در این مصاحبه به‌وضوح، خورشید به‌عنوان یکی از متعلقات آیین یارسان معرفی شده است. آیین یارسان که با نام اهل حق نیز معروف است، از آیین‌های وابسته به ایران

باستان به شمار می‌رود. زرین‌کوب معتقد است آداب و مناسک اهل حق تا حد زیادی به آداب تصوف شباهت دارد. لزوم اجتماع آن‌ها در جمع‌خانه، تقدیم نذونیاز و خیر خدمت، اشتغال به ذکر خفی و جلی، توجه به ساز و سماع و سر سپردن به پیر و مرشد، اهل حق را به نوعی تصوف شبیه کرده است (زرین‌کوب، ۱۳۷۷: ۹۷).

علاوه بر این تحلیل، درست‌تر این است که بدانیم «رشته یا مسلک اهل حق یکی از رشته‌های انشعابی و معمولاً وابسته به مذهب تشیع بوده و مجموعه‌ای از عقاید و آراء خاص است که از عهد سالفه با ذخایر معنوی اسلام و اساطیر ایران قدیم و افکار فرق‌گالی که به‌ویژه در مناطق غرب ایران پراکنده بودند، درهم آمیخته است و در برخورد با حوادث، در زمان‌های مختلف، اشکال گوناگون به خود گرفته است» (جیحون‌آبادی، ۱۳۶۱: ۵). ارتباط این آیین با ایران قبل از اسلام در اصول عقاید آنان که به نحوی تحت تأثیر اصول سه‌گانه پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک زرتشتی است، نیز مشهود است. این اصول در یک بیت از کلام نامه سرانجام که به گویش کردی گورانی سروده شده، چنین است:

باوهری وه‌جا، باوهری وه‌جا یاری چوار چیشته‌ن، باوهری وه‌جا
پاکی و راستی، نیستی و ردا مه‌بو بار ویت سوک که‌ی جه دنیا

ترجمه: ای گروه یارسان، ارکان دین چهار است که باید به جای آورید: پاکی و راستی، نیستی و بخشش. باید بار خود را در این جهان سبک کنید (صفی‌زاده، ۱۳۷۵: ۵۷۳).

اعتقادی که یارسان به خورشید و اجرام آسمانی دارد، تحت تأثیر عقاید ایران باستان است. در ایران باستان، مهر یکی از ایزدان مهم به حساب می‌آید؛ تا حدی که پیش از دین‌آوری زرتشت، کیش مهرپرستی یا میترائیسم در ایران و کشورهای دیگر رواج داشت. در اساطیر مانوی میان مهر و خورشید پیوندی استوار وجود دارد؛ یعنی خورشید یکی از آفریدگان مهر دانسته می‌شود که مهر آن را از ذرات نوری که هنوز آلوده نشده‌اند، ساخته است (ویدن‌گرن، ۱۳۷۳: ۴۱۸). گفتنی است که در اوستا و روایات پهلوی اشاره‌ای به آفریده‌شدن خورشید به دست مهر نشده است.

پس از زرتشت، مهر با تنزل مقام، از خدایی خدایان به مقام ایزدی پایین کشیده شد، اما هنوز هم از اعتبار بسیار بهره‌مند بود. اهمیت مهر و همراهی او با خورشید باعث شد تا به مرور زمان ایزد مهر با خورشید یکی شود و در یشت‌ها از خورشید به‌عنوان شریکی در فرمانروایی جهان یاد شود و در یشتی طولانی موسوم به مهریشت ستایش شود. در مینوی خرد به همراهی همیشگی مهر و خورشید اشاره شده است: «هر روز سه بار برابر خورشید و مهر - چون این دو با هم حرکت می‌کنند - ایستادن» (مینوی خرد، ۱۳۸۰: ۶۳). در بندهشن از مهر به‌عنوان پادشاه همه سرزمین‌ها یاد شده و در جدول نجومی این کتاب، دلالت خورشید بر شاهان و خدایان است (دادگی، ۱۳۶۹: ۵۸-۱۱۳). در شاهنامه نیز

به فرمانروایی خورشید اشاره شده است:

به عشق هوا بر زمین شد گوا
به نزدیک خورشید فرمانروا
(فردوسی، ۱۳۸۶: ۲۹۲/۵)

علاوه بر مقام پادشاهی برای ایزد مهر و خورشید، به گواهی اوستا و متون پهلوی، ایزد مهر حامی پیمان‌هاست و هم‌چنین داور نیک و بد کردار آدمی نسبت به خود و دیگران نیز هست. در یشت‌ها از این ایزد با عنوان زبان‌آوری که دارای هزار گوش و هزار چشم است که بر فراز آسمان شاهد کردار انسان‌هاست، یاد می‌شود. او ذات پیمان‌هاست و پیمان‌شکنان را مجازات می‌کند (یشت‌ها، مهریشت). او داوری است که میانجی‌گری می‌کند: «می‌ستاییم و می‌خوانیم دادار اهرمزد را... که فراز آفرید تو را، صوابکار، ای مهر دارای دشت‌های فراخ؛ زیرا که تو داور هشیارانی، تو کار به داوری کنی و به عدالت میانجی‌گری می‌کنی میان مخلوقات مینوی و مادی» (زهر، ۱۳۸۴ الف: ۱۶۳).

اعتقاد به داوری خورشید هنگام دعا در میان کردها، دقیقاً در عقاید باستانی ایران نیز وجود دارد. بندهشن با تأکید بر داوری ایزد مهر، خورشید را یاور و همکار این ایزد در داوری معرفی می‌کند: «مهر را خویشکاری، داوری جهانیان به راستی کردن است. هر روز تا نیمروز، با خورشید بدین کار است و بدین روی است (که) داور به گیتی تا نیمروز داوری کند» (دادگی، ۱۳۶۹: ۱۱۳). به غیر از وظیفه داوری میان مردمان، در اساطیر زروانی، مهر و خورشید داور جهان خدایان نیز هستند. نظارت بر اجرای پیمانی که زروان با هرمزد و اهریمن در تقسیم‌بندی قدرت و سلطنت و در نهایت اعلام پیروزی هرمزد می‌بندد بر عهده مهر است؛ از این رو مهر به‌عنوان جنبه سوم زروان (جنبه خیر: هرمزد؛ جنبه شر: اهریمن؛ جنبه عدالت: مهر)، تجسم عدالت اوست (جلالی‌مقدم، ۱۳۸۴: ۱۴۲).

با توجه به نکات مذکور، آشکار می‌شود که دعای کردهای کرمانشاه به درگاه خورشید و تأکید آن‌ها بر عدالت و داوری خورشید، ریشه در عقاید باستانی ایران دارد؛ زیرا چنین اعتقادی بیشتر در فرقه یارسان وجود دارد و فرقه یارسان در برخی از عقاید خود تحت تأثیر تعلیمات ایران باستان هستند.

۲-۳. سوگند به اوقات خورشید و ماه

در میان کردهای کرمانشاه، سوگند به اوقات خورشید و ماه یعنی صبح، ظهر، عصر، غروب و شب بسیار رایج است. در کنار این سوگندها، دعا‌های ویژه این اوقات نیز وجود دارد. سوگندهایی مثل وه‌ای سوای صالحانه (سوگند به این صبح صالحان)، وه‌ای خه‌ور پرشه‌کهره (سوگند به خورشید پر اشعه در ظهر)، وه‌ای زهرده‌کهره (سوگند به زردی خورشید در عصر)، وه‌ای خه‌وه‌ره زهرده‌ی دیوان داوده (سوگند به خورشید در حال غروب)، وه‌ای شه‌واره شه‌ریفه (سوگند به این شب شریف)، وه‌ای مانگه شه‌وه (سوگند به این مهتاب شب) و وه‌ای گرگه و میشه (سوگند به بامداد) در زبان کردها بسیار تکرار می‌شود.

پیش‌تر اشاره‌ای به وجه تقدس اسطوره‌ای خورشید داشتیم و گفتیم که خورشید در

اساطیر و اقوام باستانی جایگاهی ایزدگونه داشته است. ماه نیز دارای چنین ویژگی‌ای است. یاحقی در فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها درباره ماه چنین نوشته است:

ماه هم‌چون خورشید در اساطیر کهن ایران نقش مهمی دارد؛ زیرا در شب تار در برابر دیو ظلمت، یگانه مشعل ایزدی است که پرده ظلمت را می‌برد و عفریت سیاهی را رسوا می‌کند. در آیین زرتشتی ماه پاسدار ستوران و حامل نژاد آنان است و هفتمین یشت به او اختصاص دارد و روز دوازدهم هر ماه شمسی را ماه‌روز می‌نامیده‌اند. در اوستا از ماه نیایش که سه بار در ماه انجام می‌شد، یاد شده و در فروردین‌یشت به فروهر پاکان که به ستارگان و ماه و خورشید راه‌های مقدس را بنمودند، درود فرستاده شده است. به روایت بندهشن، ماه حافظ نطفه ستوران و جانوران است و آنچه از نطفه گاو نخستین، پاک و توانا بود، به ماه انتقال یافته است. در بسیاری از نقاط ایران و به‌خصوص در نظر عامه، خورشید و ماه، زن و مردند و دلدادۀ یکدیگر؛ لکه‌های چهره ماه اثر دست خورشید است که از روی حسادت، دست گل‌آلود خود را بر صورت ماه کشیده است (یاحقی، ۱۳۹۱: ۷۷۴).

در اساطیر بر ارتباط ماه با رویش گیاهان (زندگی کشاورزی)، آب، زن و گاو تأکید شده است. در یشت‌ها در ستایش ماه چنین می‌خوانیم: «و آن‌گاه که ماه روشن بتابد، همیشه در بهار، گیاه سبزگون از زمین بروید، ماه در بردارنده تخمه گاو، آن تابنده ارجمند بختیار توانگر چالاک، آن سودمند گیاه رویاننده آبادکننده، آن بغ درمان‌بخش را می‌ستاییم» (ماه یشت، بند ۴).

پیش از دین‌آوری زرتشت، ماه به‌عنوان خدا در ایران و بین‌النهرین پرستش می‌شده است. در واقع «ماه، نخستین خدایی بوده که در تمدن ایران و ایلام آن را می‌پرستیدند. در خاک‌برداری‌های شوش، در کنار نمادهای گوناگون ماه چون گاو و بز کوهی با شاخ‌هایی بسیار شبیه ماه، خرگوش و... نقش زنان برهنه‌ای که دست به دست هم داده‌اند نیز دیده می‌شود» (انوشه، ۱۳۷۶: ۱۳۵۹). در دوران پس از زرتشت، حتی در دوره‌های تاریخی مثل دوران اشکانی و ساسانی، نماد ماه بر سکه‌ها و حکاکی‌ها و حجاری‌ها به‌عنوان نمادی مقدس قابل مشاهده است.

به نظر می‌رسد ماه با اشکال متفاوت ظاهری خود در طول یک ماه، باعث به‌وجود آمدن بسیاری از تصورات اسطوره‌ای و نمادپردازی‌ها شده است. هلال ماه، هاله ماه، ماه کامل و مواردی از این دست در اساطیر باعث به‌وجود آمدن رمزهای ارتباط با دنیای مردگان، ارتباط با زنان، آب، گاو و زندگی کشاورزی شده است. «در ایران باستان، هاله نورانی دور ماه را علامت باران می‌شمردند و از نمادهای ماه، دایره‌ای است که گاه دور آن شعاع‌هایی ترسیم شده است» (صمدی، ۱۳۶۷: ۲۲). پیش‌تر اشاره کردیم که در آثار باستانی شوش نقش زنان برهنه‌ای یافت شده که با دیگر نمادهای ماه، مفهوم باران و باروری را تداعی می‌کنند. ارتباط زن با ماه به خاطر برابری تعداد روزهای قمری با عادت ماهیانه زنان نیز

موردتوجه تفکرات اسطوره‌ای بوده و از این نظر پیوند میان ماه و زنان را پیوندی تنگاتنگ می‌دانسته‌اند و همین امر باعث شده بود که در اساطیر ملل از جمله یونان، ماه با برخی از زنایزدان از جمله آرتیمیس و هرا در ارتباط باشد و آنان بغبانوان ماه باشند (همان: ۲۳ و ۹۳).

۲-۴. آیین سوگند هفت گام

یکی از آیین‌هایی که میان کردهای کرمانشاه مرسوم است، آیین سوگند هفت گام به حضرت عباس (ع) یا حضرت داوود است که با اندک تفاوت‌هایی و با نام‌هایی مثل هفت گام به خه‌وره زرده، با کیفیتی یکسان در ایل‌های سنجابی، کلهر و گوران انجام می‌شود. این آیین برای رفع تهمت و اثبات بی‌گناهی و نیز نشان‌دادن صدق گفتار انجام می‌شود. این آیین هنگام غروب خورشید انجام می‌شود و فرد انجام‌دهنده، هفت کپه خاک در فواصل یک قدم بعد از دیگری، فراهم می‌کند و در حضور دیگران، رو به قبله یک گام برمی‌دارد و با رسیدن به اولین کپه، آن خاک را با دست پخش و صاف می‌کند و می‌گوید اگر دروغ بگویم خانه و زندگی مثل این کپه خاک نیست و ویران شود و اگر به من تهمت زده‌اند، خانه و زندگی تهمت‌زننده نیست و تباه شود و تا هفتمین کپه و گام هفتم این کار را انجام می‌دهد.

این آیین سوگندخوردن، میان کردها کراهت دارد و بزرگان و مشایخ ایل‌ها دیگران را از انجام آن بیم می‌دهند؛ زیرا معتقدند فرد انجام‌دهنده اگر گناهکار باشد، نیست و نابود می‌شود و اگر گناهکار نباشد، تهمت‌زنندگان تباه و بیچاره می‌شوند. به‌رحال، این آیین را مخوف می‌دانند و معتقدند که در زمان غروب آفتاب ممکن است اتفاقات هولناکی بیفتد، به‌ویژه اگر این آیین نیز برگزار شود. در باور کردها، زیر طاق آسمان و در محضر خورشید در حال غروب، باید رعایت کردار و رفتار به درست‌ترین شیوه باشد تا مبادا خدای ناظر بر آسمان و زمین، شاهد پلیدی گفتار و کردار آدمیان باشد.

با توجه به عناصر موجود در این آیین، به نظر می‌رسد این آیین با وجود داشتن رنگ‌وبوی دینی و اسلامی، با آیین‌های مربوط به اجرام آسمانی و باور به تقدس و در محضر عناصر سپهری بودن مرتبط باشد. در میان ادیان کهن ایرانی، این ویژگی‌ها بیشتر در مهرپرستی وجود دارد. مهرپرستان اعتقاد داشته‌اند که زمانی که جان از جایگاه آسمانی خود به جهان فرودین می‌آمد، هفت بار می‌آلاید و زمانی که آمادگی ماندن در تنگنای گیتی و دنیای خاکی جسم را یافت، از دروازه ماه می‌گذرد و به زمین می‌رسد (کزازی، ۱۳۶۸: ۷۶). به همین دلیل، مهریان برای تطهیر خود و آمادگی بازگشت به آسمان، باید از هفت مرحله نمادین می‌گذشتند و در هر مرحله بخشی از آلودگی‌های خود را از بین می‌بردند (کزازی، ۱۳۶۹: ۱۳۹).

به‌غیراز عبور از هفت مرحله در آیین سوگند هفت گام، بحث قضاوت عناصر ماورایی در آیین مذکور نیز با برخی از باورهای مهری در پیوند است. مهر در دنیا ایزد موکل بر پیمان‌هاست و در امر قضاوت دخالت دارد و به یاری همراهان خود از جمله سروش و

رشن، داوری کردار انسان‌ها را نیز بر عهده دارد. مهر با عروج خود به آسمان، به پیروانش می‌آموزد که رهایی و عروج، سرنوشت نهایی آنان است و باید با طی مراحل هفت‌گانه، جهان خاکی را رها کرده و با بازگشت به آسمان، به زندگی ابدی برسند (ورمازن، ۱۳۸۳: ۱۲ و ۱۳).

در آیین سوگند هفت‌گام، فرد انجام دهنده، گویی در هر گام و با پست‌کردن کپه خاک برافراشته که تمثالی از نردبان نمادین مهری برای گذر از عالم خاک است، بخشی از آلودگی گناه یا تهمتی که به او زده‌اند را از خود دور می‌کند و در هر گامی نسبت به گام قبل طهارت بیشتری کسب می‌کند و در نهایت، پس از طی هفت مرحله با هفت‌گام، پاکی و خلوص و صفای نخستین خود را بازمی‌یابد و از جهان ظلمانی و تباه تهمت رهایی می‌یابد و در محضر خورشید در حال غروب، نورانی و خالص می‌شود.

۳. نتیجه‌گیری

ایران و اقوام مختلف ساکن در آن، از نظر تاریخی دارای تمدنی بسیار کهن است. این تمدن که ریشه‌های آن به دوران قبل از ورود آریایی بازمی‌گردد، از آبشخورهای بسیاری در زمینه‌های مختلف علمی، اسطوره‌ای، دینی و... بهره‌مند شده است. تمدن بین‌النهرین یکی از تمدن‌هایی است که بر هویت فرهنگی ایران تأثیری عمیق نهاده، این تأثیر به‌خصوص در نواحی غرب و جنوب غرب ایران کنونی (به دلیل هم‌جواری و شرایط جغرافیایی) بیشتر قابل مشاهده و بررسی است. یکی از اقوام ساکن در غرب ایران، قوم گُرد است که بیشتر در استان‌های کرمانشاه، کردستان و ایلام ساکن هستند. استان کرمانشاه از نظر جغرافیایی، حلقه واسطه کردستان و ایلام است و از این‌رو اشتراکات فرهنگی بسیاری با این دو استان دارد. کرمانشاه دارای ایل‌های مهمی است که بافت عشایری این ایل‌ها، باعث بکری و دست‌نخوردگی فرهنگی و تمدنی این استان شده است. نگارنده در پژوهش پیش‌رو به بررسی و مطالعه مردم‌شناختی آیین‌های نجومی ایل‌های سنجابی، کلهر و گوران در استان کرمانشاه و ارتباط این آیین‌ها با اساطیر پرداخته است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که آیین‌های احکام نجوم در ایل‌های مورد مطالعه، بازتاب و باز نمود بسیار دارد. احترام به آسمان و سوگند به آن، اعتقاد به داوری خورشید و دعا به درگاه آن، سوگند به اوقات خورشید و ماه و آیین سوگند هفت‌گام، اصلی‌ترین اعتقادات تنجیمی در ایل‌های مورد مطالعه است که این باورها، ریشه در اعتقادات اساطیری ایران و آیین‌هایی مثل زروانیسم، مهریسم و دین زرتشتی دارد. گفتنی است که معتقدات بین‌النهرین نیز در شکل‌گیری بسیاری از این باورها تأثیر نهاده است. البته در دوره‌های متأخرتر، تأثیر باورهای اسلامی نیز قابل مشاهده است.

کتابنامه

- قرآن کریم. ترجمه محمد مهدی فولادوند. تهران: پیام عدالت.
- اسکندری شرفی، فرشاد و مبارک، وحید. (۱۴۰۰). «بازتاب باورهای نجومی در اشعار عماد فقیه کرمانی». پژوهش‌نامه متون ادبی دوره عراقی. د. ۲. ش. ۱. صص ۲۲-۱.
- الیاده، میرچا (۱۳۸۹). رساله در تاریخ ادیان. ترجمه جلال ستاری. تهران: سروش.
- انجوی شیرازی، سیدابوالقاسم و محمود ظریفیان. (۱۳۷۱). گذری و نظری در فرهنگ مردم. تهران: اسپرک.
- انوشه، حسن. (۱۳۷۶). فرهنگ‌نامه ادبی فارسی. دانش‌نامه ادب فارسی (۲). تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
- بهار، مهرداد. (۱۳۸۶). پژوهشی در اساطیر ایران. چاپ ششم. تهران: آگه.
- بیهقی، حسینعلی. (۱۳۶۵). پژوهش و بررسی فرهنگ عامه ایران. مشهد: آستان قدس رضوی.
- پرنیان، موسی. (۱۳۷۴). فرهنگ عامه کرد (کرمانشاه). پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبائی.
- جعفری قریه‌علی، حمید. (۱۳۹۲). «هفت کاخ کاووس و نردبان آیین مهری». فصل‌نامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی. س ۹. ش ۳۱: ۱۲۷-۹۹.
- جلالی مقدم، مسعود. (۱۳۸۴). آیین زروانی. تهران: امیرکبیر.
- جیحون‌آبادی، نعمت‌الله. (۱۳۶۱). حق الحقایق یا شاهنامه حقیقت. با ویرایش و مقدمه محمد مکرری. تهران: طهوری.
- حلبی، علی‌اصغر. (۱۳۷۸). سی قصیده از ناصر خسرو. چاپ نهم. تهران: پیام نور.
- دادگی، فرنیغ. (۱۳۶۹). بندهشن. گزارش مهرداد بهار. تهران: توس.
- روایت داراب برزو. (۱۳۸۴). پیوست به کتب آیین زروانی. مسعود جلالی مقدم. تهران: امیرکبیر.
- روح‌الامینی، محمود. (۱۳۶۸). مبانی انسان‌شناسی. تهران: عطار.
- زرگری، فاطمه. (۱۴۰۰). «جایگاه باورهای تنجیمی در کیهان‌شناسی عجایب‌نامه‌نویسان (قرون چهارم تا هشتم هجری)». تاریخ ایران. د ۱۴. ش ۱. پی‌پی ۳۰. صص ۱۶۳-۱۴۳.
- زرین‌کوب، عبدالحسین. (۱۳۷۷). ارزش میراث صوفیه. چاپ هشتم. تهران: امیرکبیر.
- زمردی، حمیرا. (۱۳۸۲). نقد تطبیقی ادیان و اساطیر در شاهنامه فردوسی. خمسه نظامی و منطق‌الطیر. تهران: زوار.

- زهر، آرسی. (۱۳۸۴ الف). *زروان یا معمای زرتشتی‌گری*. ترجمه تیمور قادری. تهران: امیرکبیر.
- زهر، آرسی (۱۳۸۴ ب). *طلوع و غروب زردشتی‌گری*. ترجمه تیمور قادری. تهران: امیرکبیر.
- ساوینا، و. ایی. (۱۳۸۰). «نام اقوام در جغرافیای ایران». ترجمه حسین مصطفوی گرو. *نامه فرهنگستان*. د ۵. ش ۲: ۱۸۲-۱۶۵.
- سلطانی، محمدعلی. (۱۳۷۴). *جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاهان*. تهران: سها.
- شوالیه، ژان و آلن گبران. (۱۳۷۹). *فرهنگ نمادها*. ترجمه سودابه فضایی. تهران: جیحون.
- صفی‌زاده، صدیق. (۱۳۷۵). *نامه سرانجام یا کلام خزان*. تهران: هیرمند.
- صرفی، محمدرضا و افاضل. راضیه. (۱۳۸۹). «بازتاب باورهای نجومی در خمسه خواجهی کرمانی». *کهن‌نامه ادب پارسی*. د ۱. ش ۲. صص ۷۶-۵۳.
- صمدی، مهرانگیز. (۱۳۶۷). *ماه در ایران از قدیمی‌ترین ایام تا ظهور اسلام*. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۸۶). *شاهنامه*. به کوشش جلال خالقی مطلق. تهران: دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.
- کزازی، میرجلال‌الدین. (۱۳۶۸). *از گونه‌ای دیگر*. تهران: مرکز.
- کزازی، میرجلال‌الدین. (۱۳۶۹). *آیین و فرهنگ رازآمیز مهر (مجموعه مقالات پیرامون شاهنامه)*. به کوشش مسعود رضوی. تهران: جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران.
- گرگانی‌نژاد، محبوبه و میرشفیعی، سیدمحمد. (۱۴۰۱). «مطالعه نماد آسمان در قرآن، اساطیر، ادبیات، عرفان و هنر ایران». *جستارنامه فرهنگ و هنر اسلامی*. د ۱. ش ۱. صص ۲۱-۸.
- محبوب، محمدجعفر. (۱۳۸۷). *ادبیات عامیانه ایران (مجموعه مقالات درباره افسانه‌ها و آداب و رسوم مردم ایران)*. به کوشش حسن ذوالفقاری. چاپ سوم. تهران: چشمه.
- محمودی مینایی، احمد. (۱۳۷۵). *آسمان در فرهنگ و باورهای عامیانه مردم شمال خراسان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران.
- مردوخ کردستانی، محمد. (بی‌تا). *تاریخ مردوخ*. ج ۱. بی‌جا: چاپخانه ارتش.
- معین، محمد. (۱۳۸۸). *فرهنگ فارسی*. ج ۴. تهران: امیرکبیر.
- میتفورد، میراندا بوروس. (۱۳۹۴). *دایره‌المعارف مصور نمادها و نشانه‌ها*. ترجمه معصومه انصاری و حبیب بشیرپور. تهران: سایان.
- مینوی خرد. (۱۳۸۰). *ترجمه احمد تفضلی*. تهران: توس.

- میهن دوست، محسن. (۱۳۸۰). پژوهش عمومی فرهنگ عامه. تهران: توس.
- واحد دوست، مهوش. (۱۳۸۷). نهادینه‌های اساطیری در شاهنامه فردوسی. چاپ دوم. تهران: سروش.
- ورمازن، مارتین. (۱۳۸۳). آئین میترا. ترجمه بزرگ نادرزاده. چاپ چهارم. تهران: چشمه.
- ویدن گرن، گئو. (۱۳۷۳). دین‌های ایران. ترجمه منوچهر فرهنگ. تهران: آگاهان ایده.
- همتی، فریبا. (۱۳۸۸). بررسی ادبیات کودکان در فرهنگ عامه کرمانشاه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه پیام نور تهران.
- همراهیان، طاهره. (۱۳۹۸). تأثیر شاهنامه بر ادبیات عامه کرمانشاه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه رازی کرمانشاه.
- یاحقی، محمدجعفر. (۱۳۹۱). فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادبیات فارسی. تهران: فرهنگ معاصر.
- یسنأ، بخشی از کتاب اوستا. (۱۳۸۰). تفسیر و تألیف ابراهیم پورداوود. تهران: اساطیر.
- یشت‌ها. (۱۳۸۱). تفسیر و تألیف ابراهیم پورداوود. تهران: اساطیر.

